

عوامل مؤثر بر توانمندسازی بانوان برای تأمین امنیت روانی خانواده

سمانه قندهاری*

۱- دانشجوی ارشد، واحد تفسیر و علوم قرآنی، حوزه علمیه قم، قم، ایران.
samanehalavijei57@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۳/۹/۱۳]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۶/۲۸]

چکیده

بانوان به عنوان یکی از ارکان اصلی خانواده، نقشی کلیدی در حفظ انسجام و حریم خانواده ایفا می‌کنند. از آنجاکه خانواده، به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر رشد یا زوال جوامع دارد، توجه به آن امری ضروری است. برای پیشگیری از پیامدهای مخرب فروپاشی اجتماع، تقویت و توانمندسازی خانواده از ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این راستا، لازم است سازمان‌های دولتی برنامه‌هایی برای توانمندسازی ساختارهای اجتماعی طراحی کرده و به تقویت توانمندی‌های بین‌المللی، با توجه به ملاحظات سیاسی، بپردازند. در مقابل، امواج فمینیستی معاصر، به‌ویژه در سطح جهانی، بر این باور تأکید دارند که زنان نیازی به وابستگی به مردان ندارند و آموزش زنان در تمامی ابعاد را ضروری می‌دانند. این ایده در بسیاری از کشورها، به‌ویژه جوامع در حال توسعه، به شکل برنامه‌های توانمندسازی زنان دنبال می‌شود. پژوهش حاضر با ارائه نگاهی جامع به توانمندسازی زنان در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تلاش دارد تمامی زنان، نه تنها سرپرستان خانوار را در بر گیرد. مطالعه حاضر با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که توانمندسازی بانوان متأثر از دو دسته عوامل درونی و بیرونی است. بانوان خود به عنوان عاملی درونی نقش دارند، درحالی‌که همسر، والدین و نهادهای فرهنگ‌ساز به عنوان عوامل بیرونی تأثیرگذار شناخته می‌شوند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، توانمندسازی، توانمندسازی خانوادگی، امنیت روانی، خانواده.

۱- مقدمه

توانمندسازی به عنوان هدف غایی برنامه‌های رفاه اجتماعی و به ویژه مددکاری اجتماعی است، با این وجود به صورت برنامه‌ای هدفمند و سازمان‌یافته در کشور وجود نداشته و تنها اخیراً مورد توجه جدی قرار گرفته است. اکثر زنان سرپرست خانوار، زیر خط فقر قرار دارند و نمی‌توانند از عهده پرداخت هزینه‌های زندگی خود برآیند. آن‌ها به دلیل فقدان یک چتر حمایتی و تأمین مالی، کمبود مهارت‌های حرفه‌ای، فقدان مهارت‌های زندگی در مواجهه با بی‌همسری و نگهداری و تربیت فرزندان، عموماً در معرض آسیب جدی قرار دارند. فرزندان زنان سرپرست خانوار به‌طور بالقوه در معرض آسیب‌های اجتماعی بسیاری از قبیل: فرار کودکان، ازجمله دختران، کار کودکان، بزهکاری، محرومیت از تحصیل و سوءتغذیه قرار می‌گیرند؛ لذا توانمندسازی زنان و مطالعه بر آن ضروری است. توانمندسازی یک فرایند دست‌یابی به توسعه است که به زنان این امکان را می‌دهد تا هویت اصلی و توانایی‌شان را در همه زوایای زندگی‌شان درک کنند (اکبری مقدم، ۱۳۹۳). توانمندسازی زنان به منظور مشارکت دادن آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی است؛ لذا توجه به رهیافت‌های تقویت و توسعه توانمندی‌های زنان، به نفع آنان است و به اقتصاد خانوار کمک می‌کند. توانمندسازی زنان نیازمند نگاهی عمیق‌تر و برخوردی همه‌جانبه‌تر است، به‌ویژه آن‌که جمعیت زنان، یک گروه همگن نیستند و در میان آن‌ها گروه‌های متعددی مانند: زنان فقیر، اقلیت‌های قومی، سرپرست خانوار وجود دارد. در جهان کنونی، رسیدن به اهداف توسعه بدون بهره‌گیری از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان امری غیرممکن است. به عبارت دیگر، یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. با وجود این، هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبولی در مشارکت عادلانه زنان در توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آنان برقرار نشده است. پس اجتماع، از نکات اساسی و کلیدی موجود در دین اسلام و قوانین حاکم بر آن است و اصلی‌ترین شخص در تأمین امنیت روانی خانواده، بانوان هستند و مطابق قرآن، بانوان در جایگاه آرامش‌دهندگی و تأمین‌کنندگی امنیت روانی خانواده قرار دارند. بهترین کار برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر این اصل، توانمندسازی بانوان است. با این تفاسیر اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه عوامل مؤثری بر توانمندسازی بانوان برای تأمین امنیت روانی خانواده وجود دارد؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

صفوی، ضمیران، معارف‌وند و عرشی ۲۰۱۵، در مقاله‌ای تحت عنوان توانمندسازی اقتصادی دختران و زنان جوان در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب دریافته‌اند، بکار گرفتن استراتژی‌های متنوع با توجه مقتضیات و عوامل فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی متفاوت، احتمال موفقیت برنامه‌های توانمندسازی را افزایش می‌دهد. رضازاده، رضازاده و رضازاده، ۱۳۹۴، در مقاله‌ای تحت عنوان مروری بر توانمندسازی، سلامت و اشتغال زنان سرپرست خانوار، دریافته‌اند، اکثر زنان سرپرست خانوار بدون توانمندی و به طور عمده بدون حق انتخاب و در یک موقعیت آسیب‌پذیر درگیر در نقش‌هایی می‌شوند که آن‌ها را با بحران‌های مختلف مادی، اقتصادی، روانی، اجتماعی روبه‌رو می‌نماید با تأکید بر نظریه‌های توانمندی در برنامه‌ریزی‌ها می‌بایست خواستار قدرت دادن به زنان به‌طور عام و زنان سرپرست خانوار به شکل خاص باشیم. جهت توانمندسازی زنان می‌توان به نابرابری جنسیتی از حوزه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نگریست و از طریق این عوامل در جهت کاهش آن اقدام کرد. ما در این پژوهش قصد داریم تا به بررسی عوامل مؤثر بر توانمندی زنان، عوامل مؤثر فردی (تجربه، تخصص، تقوا، همت، تعهد، علم) و عوامل مؤثر اجتماعی شامل: عوامل اجتماعی - فردی (قدردانی، مشورت، عدالت، تقوا)، اجتماعی - خانوادگی (تأمین نیازهای عاطفی، حامی و تکیه‌گاه بودن همسر، تجربه مادران) عوامل اجتماعی - ساختاری (نهادهای فرهنگ‌ساز) و راهکارهای توانمندسازی زنان و ایجاد حس امنیت روانی در خانواده که شامل: توانمندسازی زنان در ایران، توانمندسازی زنان در مقابل افکار انحرافی فمینیسم (ناتوانی فمینیسم در دفاع از حقوق زنان، انحرافات فمینیست، توجه نکردن فمینیست به تفاوت زنان و مردان) بپردازیم.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. این رویکرد به دلیل ماهیت اکتشافی موضوع و نیاز به درک عمیق از تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان انتخاب شده است. جامعه هدف پژوهش شامل بانوانی بود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین امنیت روانی خانواده نقش دارند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شد تا افرادی که اطلاعات و تجربه کافی در زمینه مورد مطالعه دارند، در پژوهش مشارکت داشته باشند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد که به محقق امکان داد علاوه بر پوشش سؤالات اصلی، به جنبه‌های ناشناخته و جزئیات بیشتری از نظرات مشارکت‌کنندگان بپردازد. فرآیند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفت. در این روش، ابتدا داده‌های گردآوری‌شده به‌دقت خوانده شدند و مضامین کلیدی شناسایی شدند. سپس این مضامین دسته‌بندی شده و ارتباطات میان آن‌ها تحلیل گردید. اعتبار و پایایی پژوهش از طریق بازبینی یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و استفاده از هم‌سو سازی نظری با ادبیات موجود تضمین شد. همچنین، پژوهشگر تلاش کرده است تا با رعایت بی‌طرفی و تمرکز بر داده‌های واقعی، از سوگیری‌های شخصی اجتناب کند.

۴- یافته‌ها

۱-۴- مفهوم‌شناسی

۱- **توانمندسازی:** توانمندسازی مجموعه روش‌ها و اقدامات بیرونی و درونی برای ایجاد و توسعه دانش، نگرش، انگیزش و توانایی شخص به‌منظور رشد و تعالی او و بهبود و افزایش بهره‌وری نهاد مربوطه است؛ به عبارت دیگر هر اقدامی که بتواند کارایی و عملکرد فرد را در درون نهاد مربوطه افزایش دهد، توانمندسازی گویند. در مورد بانوان هم دقیقاً همین‌گونه است که هر اقدامی که بتواند کارایی و عملکرد فرد را در درون خانواده افزایش دهد را توانمندسازی بانوان گویند (مهرابی، ۱۳۹۳).

۲- **امنیت:** امنیت در لغت همان‌طوری که معجم الوسیط ذکر شده به معنای: «إِطْمَآنٌ وَلَمْ يَخَفْ، فَهُوَ آمِنٌ» که یعنی در امان کسی است که اطمینان پیدا می‌کند و نمی‌ترسد. در فارسی به معنای ایمن شدن و در امان بودن و بی‌بیم شدن است (معین، ۱۳۹۱)؛ در فرهنگ عمید، ایمنی به معنی آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۹۰). امنیت از اساسی‌ترین ضروریات اولیه هر زندگی و حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت در گفتمان سلبی، بر نبود خطر و تهدیدات استوار است؛ ولی امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد.

۳- **امنیت روانی:** امنیت به دو بخش فیزیکی و روانی تقسیم می‌شود. امنیت فیزیکی یعنی شکل عینی امنیت؛ اینکه شخص بتواند به‌راحتی در اجتماع ظاهر شود و این‌گونه تأمینی به‌راحتی امکان‌پذیر است، ولی در کنار آن تأمین امنیت روانی جامعه و فرد، آن‌چنان ساده نیست؛ زیرا امنیت روانی همان آرامش خاطر است. امنیت روانی مترادف با آرامش قلب است. وقتی می‌توان یک خانواده را از لحاظ روانی ایمن دانست که آرامش نسبی در آن خانواده حاکم بوده و اعضای خانواده از آسیب‌هایی که می‌تواند به روح و روانشان صدمه وارد کند، اطمینان خاطر داشته باشند. تأمین چنین امنیتی کاری بس دشوار و سخت است که جز افراد خبره نمی‌توانند بر ریشه‌یابی حل آن اقدام کنند.

الف) عوامل مؤثر بر توانمندسازی بانوان

عوامل مؤثر بر توانمندسازی بانوان به دو گروه عوامل درونی و بیرونی تقسیم می‌شود:

✓ عوامل مؤثر فردی بر توانمندسازی بانوان

هیچ کس منکر این قضیه نیست که تأثیرگذارترین فرد برای هر کس، خود اوست؛ بنابراین لازم است بانوان با شناخت راهکارها به توانمندی خود در تأمین امنیت روانی خانواده کمک کنند که هیچ کس خیرخواه‌تر و مؤثرتر از خودشان در این توانمندی نیست. عوامل درونی مؤثر بر توانمندسازی بانوان عبارتند از:

- **تجربه:** شاخص تجربه یکی از ملاک‌هایی است که در جاهای مختلف برای شایستگی معرفی شده است. امام علی یکی از مزیت‌های حفظ و به‌کارگیری تجربه را، موفقیت‌آمیز گشتن اقدامات معرفی می‌فرماید: «وَمِنَ التَّوْفِيقِ حِفْظُ اللَّهِ رَبِّهِ؛ حفظ تجربه‌ها بخشی از موفقیت است (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱). از نظر امام علی گرچه حفظ این سرمایه غنی اقدامی ضروری است؛ ولی هنگامی منجر به توانمندی می‌شود که از این نعمت استفاده شود. از این رو، آن حضرت کسانی را که خود را از این گوهر گران‌بها محروم می‌کنند، شقی و بدبخت می‌نامد: «بَانَ الشَّقِيُّ مِنْ حُرْمِ نَفْعِ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَ التَّجَرُّبَةِ؛ شقی و بدبخت کسی است که از فایده و تجربه‌ای که به او داده‌اند، بی‌تجربه بماند». بهره‌گیری از تجربه خود و دیگران عامل مهمی برای افزایش شایستگی فردی افراد محسوب می‌شود که در نهایت به توسعه توانمندی فرد و بهره‌وری خانواده منجر می‌شود (نهج‌البلاغه، نامه ۷۸).
- **تخصص:** اشتباه است که جایگاه زن فقط خانه‌داری باشد؛ بلکه زن به‌عنوان عنصر اصلی تأمین امنیت روانی خانواده باید شناخته شده و در این زمانه متخصص شود. مطالعات تاریخی نشان می‌دهند که اولیای دین از انبیای سلف گرفته تا خاتم الانبیا و امامان معصوم Δ در رفتارها و سخنان خویش بر ضرورت و نقش تخصص در افزایش توان فرد در مشاغل انفرادی و گروهی، تأکید ورزیده‌اند. این بزرگواران خود نیز در یکی از فنون دوران خود تخصص داشته‌اند. حضرت ادریس خیاط ماهری بوده و زره جنگی نیز می‌بافتند. حضرت نوح نجاری چیره‌دست بودند. حضرت محمد ۹ بازرگانی حرفه‌ای و موفق و امام علی A کشاورزی حاذق بوده‌اند (رسولی، ۱۳۵۸)، فلذا هر چقدر بانوان بتوانند در این بحث تخصص پیدا کنند به همان اندازه می‌توانند در سایر شئون منزل و وظایف خویش موفق باشند.
- **تقوا:** استاد مطهری در کتاب ده گفتار، معنای تقوا را چنین تعبیر می‌کند: «تقوا یعنی انسان خود را از نظر دین و اصولی که دین و زندگی معین کرده است و خطا و گناه و پلیدی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آن‌ها نشود». ازجمله مصداق‌های رفتارهای خانوادگی که دین آن‌ها را گناه شمرده، عبارتند از: خیانت در امانت‌داری، اهمال و کم‌کاری در انجام وظایف، اتلاف منابع، تخلف از چارچوب‌هایی که فرد متعهد به رعایت آن است که وارد نشدن افراد به عرصه تخلفات خانوادگی، از دو جهت موجب توانمندی و افزایش بهره‌وری فردی و خانوادگی می‌شود. برکاتی که خداوند به خاطر رعایت تقوا از سوی افراد به آنان عنایت می‌کند؛ نتیجه طبیعی پرهیز از تخلفات کاری و فوایدی که از انجام صحیح و درست کارهای به فرد و خانواده می‌شود. خانواده‌ای که افرادش دچار خیانت، کم‌کاری، اتلاف منابع نشوند، قطعاً موجب افزایش اعتماد، جلب رضایت همسر و توانمندی بیشتر آن می‌گردد (مطهری، ۱۳۶۸).
- **همت:** همت در لغت به معنای عزم حتمی قبل از فعل است (ابن منظور، ۱۴۰۸). همت یعنی گرایش نیرومند و تلاش و کوشش جدی برای پیشرفت و دستیابی به هدف‌های متعالی (حکمی، حکمی و صدری افشاری، ۱۳۷۷). در نظام ارزشی اسلام، برخورداری از صفت همت، چنان مهم تلقی می‌شود که ارزش و قدر و منزلت هر فرد، در مقایسه با میزان همت وی سنجیده می‌شود. چنان‌که علی A می‌فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ لَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش هر فرد، به اندازه همت اوست». اما در مورد نقش و تأثیر همت بر توانمندی و میزان کار و تلاش افراد، احادیث بسیار صریح و روشنی در اختیار داریم (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷). در یکی از سخنان امام علی A آمده است: تلاش‌ها و کوشش‌ها به اندازه همت‌هاست. همت نه تنها بر کمیت و میزان توانمندی و فعالیت افراد تأثیر مستقیم و مثبت دارد؛ بلکه اثر آن بر کیفیت عمل نیز به اثبات رسیده است (آمدی، ۱۳۸۸).

- **تعهد:** عبارتست از وفاداری، احساس مسئولیت و تمایل مثبت عاطفی نسبت به اهداف، انتظارات و منابع نهاد مربوطه بر مبنای قواعد اخلاقی، یا به عبارت دیگر تعهد یعنی عجین شدن فرد با کارش، اولویت داشتن کار فرد در زندگی او و انجام دادن کار برای قرب خدا (رضائیان، ۱۳۸۲). در متون اسلامی، تعهد یکی از جلوه‌های اخلاق کاری است که به‌عنوان متغیر وابسته به عوامل بسیاری از جمله؛ میزان دین‌مداری، نحوه نگرش فرد به کارش و نهاد خانواده، قدردانی بستگی دارد.
- **علم:** اسلام اهمیت علم به معنای عام و دانش شغلی به معنای خاص مورد توجه و عنایت قرار داده تا آنجا که از سوی اولیاء الهی جستجوی علم یکی از فریضه‌های دینی و موجب کمال دین است. عملکرد فرد، رابطه مستقیمی با میزان دانش شغلی وی دارد. چنان‌که رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلَحُ» کسی که بدون علم و آگاهی عمل کند، خراب کردنش بیشتر از درست کردن اوست. بر اساس این حدیث، ملاک نتیجه‌بخش بودن اقدامات، میزان تلاش و کوشش افراد نیست؛ بلکه این زحمات زمانی مفید و مؤثرند که مبتنی بر دانش و آگاهی باشند (کلینی رازی، ۱۳۶۰).

✓ عوامل مؤثر اجتماعی بر توانمندسازی زنان

عوامل بیرونی شامل همسر، پدر و مادر و نهادهای فرهنگ‌ساز است هرکدام می‌توانند با انجام اموراتی در توانمندسازی بانوان تأثیرگذار باشند. عوامل مؤثر به دو دسته تقسیم می‌شود:

(الف) عوامل مشترک که بین تمام عوامل بیرونی مشترک است؛ یعنی هر کدام از این سه گروه این عمل را انجام دهند باعث توانمندی بانوان می‌شوند.

(ب) عوامل مختص که هر کدام از این سه گروه به تنهایی با انجام آن عمل باعث توانمندی بانوان می‌شوند.

- **قدردانی:** امام علی A می‌فرماید: «آرزوهای مردم را برآورده کن و آن‌ها را به خوبی یاد کن و تلاش و همت اشخاصی که امتحان شده و سختی‌هایی را متحمل شده‌اند یادآوری کن که یادآوری کارهای نیک نیکوکاران، انسان دلیر را تهییج می‌کند و به تلاش وادار می‌دارد و افراد نشئه و بی‌تحرك را به کوشش کردن می‌کشانند.» قدرشناسی و سپاسگزاری از افرادی که عملکرد مثبتی دارند، موجب توانمندسازی و افزایش عملکرد وی و تشویق دیگران و الگوگیری از شخص توانمند می‌شود. تشکر و قدردانی فرد، به بهبود ارتباط با دیگران، اعتمادسازی، وفاداری کمک می‌کند و این امر موجب افزایش توانمندی و بهبود عملکرد آنان شده و در نهایت به افزایش بهره‌وری و توسعه خانواده منجر می‌گردد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).
- **مشورت:** از سیره نظری و عملی اولیای دین اسلام می‌توان فهمید که در فرآیند مشورت اگرچه بهره‌گیری از نظریات کارشناسی دیگران مهم است؛ اما مهم‌تر از آن، جلب مشارکت افراد به‌منظور توانمندی آنان و آماده‌سازی فرد مشورت شونده برای ایفای نقش مؤثرتر در حوزه مسئولیتی و توسعه توان تصمیم‌گیری و اجرایی اوست. شاید بهترین واژه برای این مفهوم از مشورت، (تسهیم اطلاعات) باشد. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه «وَلَا تُلَاحِظُوا الْعِلَالَ» می‌نویسد: «آگاه باشید کسی که در امور خویش با دیگران مشورت کند، خالی از رشد و آگاهی به واقعیات امور نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۰).
- **عدالت:** آیه ۱۳۵ سوره نسا، مؤمنان را به رعایت عدالت حتی در مورد خود و اطرافیان توصیه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ ۖ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنَّ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَآؤُا بِهَمَّا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَاِنَّ ۖ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۚ اِی اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آن‌ها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت نگاه ندارید؛ و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است (سوره نساء، آیه ۱۳۵)».

- **تقوا:** تمام مطالبی که در مورد بانوان بیان شد در اینجا نیز عیناً تکرار می‌شود و درواقع شاید بتوان گفت که تقوا تنها عاملی است که بین عوامل درونی یعنی خود بانوان و هم‌چنین در عوامل بیرونی نیز مشترک خواهد بود. همگان با سلاح تقوا می‌توانند نسبت به مصالح کوچک‌ترین اجتماع که خانواده باشد تا بزرگ‌ترین اجتماع که نظام اسلامی باشد اقدام کنند.

✓ عوامل اجتماعی - خانوادگی بر توانمندسازی بانوان

- **تأمین نیازهای عاطفی:** زنان، تأمین نیازهای عاطفی خود توسط همسرشان را از مهم‌ترین عوامل آرامش‌بخش در زندگی زناشویی بیان کرده‌اند. ابراز محبت و توجه عاطفی، احترام گذاشتن، تعریف و تمجید، قدردانی و تشکر ازجمله رفتارهایی بوده است که با تأمین نیازهای عاطفی زنان بر احساس آرامش آنان در زندگی مؤثر بوده است.
- **حامی و تکیه‌گاه بودن همسر:** زنان، یافتن پشتوانه و تکیه‌گاه را یکی از عوامل به آرامش رسیدن با ازدواج بیان کرده‌اند. با ازدواج آدم به پشتوانه پیدا می‌کند. وقتی حس می‌کنم همسر من است و یک کسی را دارم که موقع خستگی و مشکلات بهش پناه بیاورم برایم ایجاد حس آرامش می‌کند یا مثلاً می‌خواهم ملکی، ماشینی بخرم خیالم راحت است که همسر من هست، البته این فقط یک جنبه از آن پشتوانه است. این قدر این اطمینان از پشتوانه داشتن برام مهم است که وقتی همسر من تهران نیست، حتی از بیرون بردن ماشین از خانه هم ترس دارم (۴۵ ساله، با ۲۲ سال زندگی مشترک). هم‌چنین حمایت همسر از زن در شرایط مختلف زندگی بر آرامش زنان بسیار مؤثر بوده است. وقتی مجرد هستیم یک احساسی داریم که فکر می‌کنیم، اگر ازدواج نکنیم این‌گونه نیست؛ اما آرامش دوران مجردی به خاطر مسئولیت نداشتن است، آرامش داریم چون به کسی جوابگو نیستیم؛ اما آرامش بعد از ازدواج این‌گونه است که یک مسئولیتی را داریم؛ اما در ازای کاری که برای همسر انجام می‌دهیم، یک حامی داریم و به کسی که او هم کاری برای تو انجام می‌دهد و به خاطر همین حمایت وابسته او می‌شوی. من پدرم حامی خوبی نبود و برای همین همیشه احساس خلأ وجود یک حامی را در زندگی داشتم و از این نظر با ازدواج این خلأ پر شد و خیلی به آرامش رسیدم (۳۰ ساله، با ۸ سال زندگی مشترک). در واقع این پای‌بندی من و همسر من به اخلاق است که باعث می‌شود به هم اعتماد کنیم و این اعتماد باعث آرامش است (۳۳ ساله، با ۱۲ سال زندگی مشترک).
- **توکل به خدا:** هر وقت معنویت در زندگی ما کم‌رنگ می‌شود و دچار روزمرگی می‌شویم، آرامش تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و هر وقت حواس ما به معنویت بوده، آرامش بیشتر می‌شود. یکی از مصداق‌هایش همین توکل به خداست. تو موضوعات مختلف یک وقت‌هایی که بحث پیش می‌آید می‌بینیم خدا رو یادمان رفته و فکر می‌کنیم این مشکل بین ما دوتا است و خودمان تنهایی باید آن را انجام دهیم. برای داشتن آرامش رضایت از هم کافی نیست؛ بلکه آن معنویت نیز لازم است (۲۳ ساله، با ۱ سال زندگی مشترک). تقوا نیز از طریق تأثیر بر نحوه رفتار همسران با یک‌دیگر در ایجاد آرامش نقش داشته است. تقوا باعث اخلاق می‌شود، باعث این‌که بندگی خدا را بکنید. تقوای من و همسر من باعث روابط حسنه بین خودمان می‌شود و این‌گونه آرامش ما رو تکمیل می‌کند (۳۱ ساله، با ۸ سال زندگی مشترک).
- **پایبندی همسر به احکام دینی و رعایت حلال و حرام:** شوهرم اهل حلال و حرام است، این خیلی برایم مهم است. چون خیالم راحت است که حواسش هست لقمه حرام در زندگی ما نیاید و من نباید دائم نگران باشم که چه کاری می‌کند، محاسباتش درست است یا خیر، خمس می‌دهد یا نمی‌دهد (۴۳ ساله، با ۲۰ سال زندگی مشترک). اعتقاد به حاضر و ناظر بودن خدا در زندگی، دیگر عامل آرامش‌بخش برای زنان بوده است. ایمان به حضور خدا در زندگی و یقین به این‌که خدا می‌بیند به قوت قلبی به آدم می‌دهد که باعث می‌شود تلاطم‌های زندگی، آدمی را تکتون ندهد. من اگر یک روزی از جهت این ریشه اصلی آرامش مشکل پیدا کنم و دچار عدم اطمینان از لطف و نظارت خدا بشوم، آن موقع هست که کوچک‌ترین چیزی رو بزرگ می‌بینم و آرامشم را به هم می‌ریزد (۴۵ ساله، با ۲۲ سال زندگی مشترک).

• **انجام کارهای منزل و وظایف همسری و مادری:** من جاهایی از زندگی که انجام تقاضاهایی که همسر به‌عنوان یک زن از من انتظار داشته برایم راحت نبوده، به‌واسطه آن اعتقاد بوده که آن تقاضاها را پذیرفتم، چون باور داشتم که اگر این کارها رو برای خدا انجام بدهم، اجرش نزد خدا محفوظ است و این خیلی برایم ارزشمند و آرامش‌بخش بوده است. اینکه الآن در جامعه انتظاراتی از زن دارند که فعال باشد و کار کند، تنها چیزی که فرد را راضی می‌کند که از این پیشرفت‌ها که پاداش‌های خوبی هم دارد بگذرد، این‌که اولویت دادن به وظایف مادری و همسری چیزی است که خدا بیشتر برای آدم می‌پسندد (۳۵ ساله، با ۱۶ سال زندگی مشترک).

• **همراهی، همدلی و همیاری همسران با یکدیگر:** همراهی همسر با زن از عوامل مؤثر بر آرامش زنان در زندگی زناشویی بوده است. اینکه می‌بینیم کسی هست که با من است، پا به پای تو می‌آید هدفش با تو یکی است، این به من آرامش خاطر می‌دهد (۳۴ ساله، با ۱۱ سال زندگی مشترک). وجود همسر آرامش‌زاست، همین‌که وقتی دچار مشکل می‌شویم یکی هست که در شرایط بحرانی دلداری‌ام بدهد و سعی کند مشکلم را حل کند. در همین تحصیل همسر خیلی کمک می‌کند؛ مثلاً شب امتحان کارهای خونه را انجام می‌دهد یا دوره لیسانس که به کلاس می‌رفتم، بچه‌ها را نگهداری می‌کرد و من نیز خیالم از این جهت راحت بود. ما خیلی مشکلات در زندگی داشتیم؛ اما همین‌که همسر کنارم بود گزندگی مشکلات کمتر و تحملش نیز راحت‌تر می‌شد (۳۵ ساله، با ۱۷ سال زندگی مشترک). من پسر به دنیا آمده بود تا چند ماه خیلی گریه می‌کرد، شوهرم از اداره که می‌آمد می‌گفت من از بچه نگهداری می‌کنم شما ناهار بخورید، من بعد از شما می‌خورم؛ هر وقت بچه‌ها تب داشتند به من می‌گفت شما صبح می‌خواهید سر کلاس بروید الآن بخوابید، ممکن است سردرد بگیرد، من بیدار می‌مانم. پاشویه می‌کرد، دارو می‌داد، در صورتی که خودش هم باید صبح سر کار می‌رفت (۶۵ ساله، با ۴۵ سال زندگی مشترک).

• **احساس مسئولیت و تعهد همسر:** تلاش او برای انجام وظایف خود در قبال خانواده نقش مهمی در ایجاد آرامش برای زنان داشته است. تلاش همسر خیلی مهم است، حالا شاید آن‌قدر هم پول در نیاورد؛ اما همین که می‌بینم دغدغه این را دارد که من رو به آسایش برساند و دارد سعی می‌کند، به من آرامش می‌دهد (۳۰ ساله، با ۸ سال زندگی مشترک).

• **تجربه مادران:** مادران باید در استفاده از تجارب دیگران باید فعال عمل کنند و علاوه بر آن به‌عنوان یک عامل بیرونی می‌توانند نقش فوق‌العاده و بسزایی در افزایش تجربه و در نتیجه توانمندسازی سایر بانوان داشته باشند.

✓ عوامل اجتماعی - ساختاری بر توانمندسازی بانوان

• **نهادهای فرهنگ‌ساز (تبیین و تشریح سبک زندگی اسلامی فاطمی):** نهادهای فرهنگ‌ساز می‌توانند با تبیین سبک زندگی اسلامی حضرت زهرا (ب) به‌عنوان اسوه‌ای بی‌بدیل برای تمام بانوان، در زمینه توانمندی ایشان برای تأمین امنیت روانی خانواده تأثیرگذار باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). در ادامه به معرفی تعدادی از سازمان‌های توانمندساز زنان در ایران و جهان می‌پردازیم:

موسسه خیریه ارتقای کیفیت زندگی زنان آتنا: موسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی است که در دی ماه سال ۱۳۹۳ در دو حوزه پیشگیری و مداخله در آسیب‌های اجتماعی با هدف توانمندسازی زنان و دختران، با مجوز رسمی سازمان بهزیستی و به شماره ثبت ۳۵۲۰۲ شروع به فعالیت نموده است. حمایت از خانواده‌های تحت پوشش آتنا در زمینه‌های آموزشی، پشتیبانی مالی، کارآفرینی و آموزش مرتبط با اشتغال، پزشکی و روان‌شناسی انجام می‌شود. مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند هدف فعالیت‌های موسسه در سه حوزه پیشگیری، مداخله و پیگیری باشد عبارتند از: بحران بلوغ دختران، ازدواج زودهنگام، آسیب‌های ناشی از ناآگاهی در روابط با جنس مخالف، بحران ازدواج با توجه به افزایش سن ازدواج دختران، سلامت، آموزش، کارآفرینی و اشتغال، اعتیاد، فرار از منزل، آسیب‌های ناشی از طلاق عاطفی و خانواده‌های نابسامان، تکدی زنان و دختران، زنان سرپرست خانوار، خشونت علیه زنان، بزهکاری، طلاق و آسیب‌های ناشی از آن، روسپی‌گری. **موسسه ارتقاء سلامت زنان یاس با توسل**

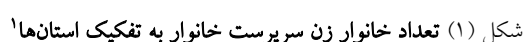
به حضرت ابوالفضل A: این مؤسسه به شماره ثبت ۳۶۷۶۶ در سال ۱۳۹۴ تأسیس و به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شود. تمام منافع و منابع اقتصادی مؤسسه با نظر هیئت‌مدیره صرف امور خیریه و مددجویان تحت پوشش می‌گردد. این مؤسسه در زمینه کمک به ارتقاء وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سلامت روحی و جسمی بانوان فعالیت می‌کند. نمونه‌ای از کارهایی قابل اجرا به شرح ذیل است: کمک به توانمندسازی بانوان برای درآمدزایی و کارآفرینی با شیوه‌های درست و مستمر، آموزش مهارت‌های زندگی با موضوع سلامت زنان، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های مشاوره و پویایی گروهی بر حسب نیاز بانوان، حمایت از بیماران خاص مثل ضایعه نخاعی و دیگر بیماران است. **موسسه ریحانه:** موسسه ریحانه، یک سازمان مردم‌نهاد و غیردولتی است که به طور رسمی از سال ۱۳۸۰ و با هدف توانمندسازی زنان و فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش مردم و سازمان‌های مردم نهاد نسبت به زنان سرپرست خانواده تأسیس شد. برخی خدمات مؤسسه عبارتند از: پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه، پرداخت کمک هزینه خرید و رهن مسکن، حل مشکلات حقوقی خانواده‌ها از طریق وکیل مؤسسه، پرداخت کمک هزینه تحصیل فرزندان، پرداخت کمک هزینه درمان و نیز ارائه رایگان از امکانات پزشکی از طریق پزشکان همراه ریحانه، در اختیار گذاشتن تمامی اقلام مورد نیاز اعم از تجهیزات منزل، پوشاک، مواد غذایی و تریه‌بار با قیمت بسیار مناسب، برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی در استان و خارج از استان، استفاده از خدمات مشاوره حقوقی، خانوادگی، تحصیلی به صورت رایگان. **اکرام و تمرکز بر توانمندسازی زنان مسلمان:** بنیاد اکرام که نام کامل آن «اکرام - بنیاد توانمندسازی زنان مسلمان است. در سال ۲۰۱۴ و در شهر هرنند، ویرجینیا تأسیس شد. تمرکز این سازمان غیرانتفاعی بر مسائلی است که بر رفاه زنان مسلمان تأثیر می‌گذارد. از نظر این سازمان در حالی که زنان از همه ادیان، ملیت‌ها و فرهنگ‌ها مبارزات مشترک زیادی دارند، مسائل خاصی منحصر به زنان مسلمان در ایالات متحده وجود دارد. این بنیاد کمک‌های مالی آموزشی، سمینارها، کارگاه‌ها و تحقیقات را برای زنان مطلقه و بیوه مسلمان فراهم می‌کند. این آموزش به اعضای بنیاد اکرام این امکان را می‌دهد که شغل بهتری برای منبع درآمد پایدارتر، اعتماد به نفس برای مستقل بودن و توانمند شدن و زندگی پایدار برای فرزندان خود بیابند. رسالت این بنیاد، ارتقای منزلت زنان مسلمان از طریق تحقق اهداف آموزشی آن‌هاست.

ب) راهکارهای توانمندسازی زنان و ایجاد حس امنیت روانی در خانواده

از منظر اجتماعی، موضوع توانمندسازی، پدیده اجتماعی تک علتی نیست و توانمندشدن زنان را می‌توان با عوامل فردی و اجتماعی متعددی مرتبط دانست. از طرفی عواملی درونی همچون وضعیت جسمانی، روانی و اقتصادی خانواده و از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۳). محدودیت تحرک اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی و قانونی مبارزه با فقر را برای زنان دشوارتر کرده است. نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه فقیرترین فقرا، سبب طرح رویکردهای قضاوت و ارائه راه‌های عملی در حوزه جنسیت و توسعه شده است. توانمندسازی به عنوان «مراحل مختلفی که یک فرد طی آن از نیازها و خواسته‌های درونی خودآگاه شده و انگیزه و جرئت دستیابی به هدف موردنظر را در خود تقویت و به همراه آن توانایی و شایستگی لازم برای عملی ساختن آن را در خود ایجاد می‌کند» تعریف شده است. با نگاهی مدیریتی می‌توان توانمندسازی افراد را فرآیندی دانست که فرد باید سطوح مسئولیت‌پذیری را بپذیرد و در هر سطح رشد کند. در غیر این صورت برای افراد شانس کسب مسئولیت‌های بیشتر از آن‌ها سلب می‌شود و منجر به شکست و ناامیدی آن‌ها می‌شود. با توجه به تعاریف و اجزاء توانمندسازی زنان، اصولاً توانمندسازی یک فرآیند محسوب می‌شود. این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود و سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات

سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در برمی‌گیرد. توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال از عوامل تسریع‌کننده توانمندسازی به شمار می‌آید. دومین عنصر عاملیت است، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به‌عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند. این عنصر معرف اهمیت گفتمان از پایین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پایین است. سومین عنصر دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌تواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند خشنود بودن، عزت‌نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی را در برگیرد. رویکردهای گوناگونی برای فرآیند توانمندسازی وجود دارد؛ اما اغلب شامل برخی یا همه اجزای زیر است: ایجاد فرهنگ توانمندسازی، به اشتراک گذاشتن اطلاعات، توسعه مهارت‌ها و مهارت‌های لازم، ارائه منابع و حمایت‌های لازم، تعیین مرزها و ارزیابی روند. همچنین عمده مشکلات پیش‌روی توانمندسازی شامل عدم تمایل افراد به توانمندسازی، نداشتن مهارت‌ها صلاحیت‌های لازم است. به‌طور کلی روش‌های توانمندسازی زنان از دو طریق افزایش توانایی و قابلیت‌های زنان میسر می‌شود. توانمندی زنان نه تنها دارای بعد اقتصادی بلکه دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و روانی نیز است. در نتیجه، توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع‌تر و عمیق‌تر و همچنین برداشتن موانع و تحول در کلیه نهادهایی است که زنان را از به دست آوردن توانمندی‌های خود باز می‌دارند. در زمینه توانمندسازی مالی در دوره‌های مختلف پارادایم‌های متفاوتی مورد توجه بوده است که از آن جمله می‌توان به پارادایم‌های زیر اشاره کرد: پارادایم خود مراقبتی مالی که مربوط به «رویکرد سیستم‌های مالی» است که پیشنهادات تجارت‌محور و بسته‌های خدمات مالی حداقلی برای فعالیت‌های اقتصادی فقرا است. در این مدل از ارائه اعتبار به زنان به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی آن‌ها به‌ویژه توانمندسازی اقتصادی حمایت می‌کند. در این مدل توانمندسازی اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای توانایی کسب اعتماد به نفس تعریف می‌شود. پارادایم مبارزه با فقر که فرض اصلی این است افزایش دسترسی زنان به منابع مالی خرد سبب می‌شود تا آن‌ها سهم بیشتری از درآمد خانواده داشته باشند و در کنار دیگر مداخلات برای افزایش رفاه و آسایش خانواده، به رفاه و آسایش زنان کمک می‌شود تا تغییرات بیشتری در نابرابری جنسیتی رخ دهد. پارادایم توانمندسازی فمینیستی که بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی - سیاسی زنان و آگاهی جنسیتی تمرکز دارد. در این دیدگاه توانمندسازی به‌عنوان تحول در روابط قدرت در سراسر جامعه تعریف می‌شود. علاوه بر رویکردهای بالا، توانمندسازی روان‌شناختی زنان به ارتقاء کیفیت نقش مادرانه آنان انجامیده و از پریشانی‌های روان‌شناختی خانواده می‌کاهد. سرانجام مشارکت فعال زنان در محیط شغلی به افزایش اقتدار شخصی، بین فردی و سیاسی آنان منتهی می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد یکی از عوامل آسیب‌پذیری زنان عدم کفایت قوانین و منابع دسترسی زنان در زمینه خدمات اقتصادی - اجتماع است. در خصوص دلایل زنان سرپرست خانواده، دلایل منطقه‌ای هم مؤثرند. به‌عنوان نمونه همچنان در آسیا بیوه شدن و در جنوب و شمال آفریقا و خاورمیانه مهاجرت بین‌المللی دلیل رایج و اصلی سرپرستی زنان به شمار می‌رود. همچنین در حوزه کارایی بسیاری از زنان، همزیستی کوتاه و موقت با شریک زندگی را ترجیح می‌دهند و این پدیده به دلیل مهاجرت بین‌المللی تشدید شده، است. در کشورهای اروپای غربی ۱۸ تا ۲۵ درصد از خانواده‌های فقیر، زن سرپرست هستند. این درصد برای ایرلند ۴۰، برای کانادا ۵۰ و برای آمریکا ۶۳ درصد است. در ایران نیز داده‌های آماری از روند رو به رشد تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه اخیر خبر می‌دهند. به‌طوری‌که در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷/۳، ۸/۴، ۹/۴، ۱۲/۱ و ۱۲/۶ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند.

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ توزیع تعداد خانوارهای زن سرپرست خانوار کمتر از ۵۵ سال به‌صورت شکل شماره (۱) بوده است:



- | سطح راهکار | راهکار | منبع | فراوانی |
|------------|--------|------|---------|
|------------|--------|------|---------|

97

فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان			دوره ۶ / شماره ۴ (پیاپی ۲۱) / زمستان ۱۴۰۳
سطح فرد	دسترسی به درآمد فردی و خودکفایی فرد (بازتوانی)	قانون اساسی، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، فیروزی و صادقی (۱۳۸۹)، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، جوان اقبال و جوان اقبال (۱۳۹۴)، مصاحبه (۳ نفر)	۸
	افزایش عزت‌نفس و کاهش فشارهای روحی و روانی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، فیروزی و صادقی (۱۳۸۹)، مصاحبه (۲ نفر)	۴
	ارائه تسهیلات تعاونی و اشتغال	قانون اساسی، قانون تأمین اجتماعی، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، مصاحبه (۳ نفر)	۵
	بهبود رفاه فردی (کمک‌هزینه)	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، مصاحبه (۲ نفر)	۳
	مالکیت منابع مادی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، مهرآریا و حسن پور (۱۳۹۴)، جوان اقبال و جوان اقبال (۱۳۹۴)	۳
سطح خانواده	نظارت بر منابع مادی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، فیروزی و صادقی (۱۳۸۹)	۲
	سبب کالا خانواده	مصاحبه (۳)	۳
	مشاوره و آموزش پیش از ازدواج و مهارت‌های زندگی	قانون تأمین اجتماعی، مصاحبه (۳ نفر)	۴
	مالک بودن در اموال (مانند مسکن، زمین و...)	فیروزی و صادقی (۱۳۸۹)، مصاحبه (۳ نفر)	۴
سطح جامعه	ایجاد و آماده‌سازی جامعه جهت ورود زنان در معرض آسیب به بازار کار	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، ماسون و اسمیت (۲۰۱۳)، مصاحبه (۳ نفر)	۵
	کسب اعتبار مالی و اجتماعی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، ردی (۲۰۱۴)، قور، راموس و دانیگ (۲۰۱۳)	۳
	حضور فعال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، فیروزی و صادقی (۱۳۸۹)، آبابا (۲۰۰۸)، مصاحبه (۲ نفر)	۵
	افزایش سطح سلامت اجتماعی	قانون اساسی، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، مصاحبه (۳ نفر)	۵
	تخصیص بودجه به سازمان‌ها جهت حمایت از زنان در معرض آسیب	قانون تأمین اجتماعی، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، مصاحبه (۳ نفر)	۵
	فراهم‌سازی امکانات، آموزش بازتوانی و ایجاد مهارت‌های شغلی برای خانوارهای نیازمند	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، صالحی و نبوی (۱۳۹۵)، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، نوایخش و همکاران (۱۳۹۴)، قلی پور و همکاران (۱۳۸۸)، طباطبایی یحیی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۴)، عبادی و همکاران (۱۳۹۴)، مصاحبه (۲ نفر)	۹
	پرداخت حقوق همسران به زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، مصاحبه (۲ نفر)	۳
	ایجاد بیمه خاص زنان در معرض آسیب	قانون تأمین اجتماعی، ریحانی سراوانی و حیدری صوفیانی (۱۳۹۴)، مصاحبه (۳ نفر)	۶

درحالی‌که به لحاظ چگونگی تحصیلات، نرخ ثبت‌نام مردان و زنان در آموزش‌های رسمی پیش از دانشگاه، مشابه یکدیگر هستند و حتی در مراکز آموزش عالی در سال‌های اخیر به طور محسوسی نرخ ثبت‌نام زنان از مردان پیشی گرفته است و بیش از ۶۰ درصد کل ثبت‌نام‌کنندگان را شامل می‌شود که از این منظر می‌توان ایران را با کشورهای صنعتی و پیشرفته مقایسه کرد. همچنین بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی زنان مانند نرخ باروری، نرخ زاد و ولد به ازای هر هزار نفر، نرخ رشد جمعیتی، نرخ باسوادی زنان ۱۵ ساله به بالا و مانند این‌ها نشان می‌دهد که الگوی با جمعیتی و اجتماعی زنان در ایران با کشورهای نظیر ترکیه مشابه است (مهرآیین، ۱۳۸۹).

بررسی ادبیات تحقیق، ۱۵ پژوهش مرتبط با موضوع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار که در ۱۰ سال اخیر انجام گرفته، در کنار اسناد بالادستی مثل قانون اساسی، قانون برنامه ششم توسعه و قانون تأمین اجتماعی و نظرات و تجربیات خبرگان این امر راه‌های پیشنهادی برای توانمندسازی زنان در سه سطح فرد، خانواده و جامعه در قالب جدول شماره (۱) بیان می‌شود.

- **توانمندسازی زنان در مقابل افکار انحرافی فمینیست:** ناتوانی فمینیسم^۱ در دفاع و تبیین حقوق زنان، گستره‌ای از جنبش‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که به دنبال تعریف، برقراری و دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی زنان است. فمینیست‌ها بر این باورند که جوامع، دیدگاه مردان را در اولویت قرار می‌دهند و با زنان در این جوامع به صورت منصفانه‌ای رفتار نمی‌شود. تلاش‌ها برای تغییر این وضعیت شامل مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و تلاش برای فراهم‌آوری موقعیت‌های تحصیلی و شغلی برابر با مردان برای زنان است. سعی جنبش‌های فمینیستی در مبارزه برای حقوق زنان است؛ از جمله این حقوق حق رأی، حق کار، حق کار دولتی، درآمد یکسان، پرداختی برابر میان زنان و مردان و از بین بردن فاصله موجود در این مسئله، حق مالکیت، حق تحصیل، حق امضای قرارداد، حقوق برابر در ازدواج و حق مرخصی زایمان است. فمینیست‌ها همچنین برای یکپارچه‌سازی اجتماعی و تضمین حق سقط جنین قانونی برای زنان تلاش کرده‌اند. از دیگر اهداف آنان محافظت از زنان و دختران در برابر تجاوز جنسی، آزار جنسی و خشونت خانگی است. تغییر در نوع پوشش و نوع نگاه جامعه به فعالیت‌های فیزیکی نیز معمولاً بخشی از جنبش‌های فمینیستی بوده است. برخی از محققان، فمینیسم را محرک اصلی تغییرات اجتماعی برای حقوق زنان در طول تاریخ می‌دانند؛ این موضوع به‌خصوص در غرب پررنگ‌تر است؛ جایی که این جنبش را تا حد زیادی زمینه‌ساز دستیابی به حق رأی زنان، زبان فراگیر، حقوق باروری (شامل دسترسی به راه‌های پیشگیری از بارداری و سقط جنین قانونی)، حق امضای قرارداد و مالکیت می‌شناسند. با وجود اینکه تمرکز اصلی فمینیسم بر روی حقوق زنان است، برخی فمینیست‌ها مانند بل هوکس محدودیت در آزادی‌های مردان را بخشی از اهداف خود می‌دانند؛ زیرا باور دارند مردان نیز از نقش‌های سنتی جنسیتی آسیب می‌بینند. نظریه فمینیست که از دل جنبش‌های فمینیستی برخاسته، به دنبال درک ماهیت نابرابری جنسیتی با استفاده از تجزیه و تحلیل نقش اجتماعی زنان و تجربه زندگی آنان است. تاریخ جنبش‌های برابری‌خواهانه در ایران به اواخر دوره قاجاریه بازمی‌گردد. حقوق زنان در ایران با انطباق این کشور با ارزش‌های غربی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دستخوش تغییراتی شد و رو به بهبود نهاد. در طول قرن بیستم، جنبش‌های سکولار، لیبرال، ناسیونالیست و چپ‌گرا معمولاً حقوق زنان را به‌عنوان بخشی از دغدغه‌های خود مطرح می‌کردند، اما واکنشی که بنیادگران و محافظه‌کاران مذهبی از خود نشان دادند تا به امروز مانع اصلی بهبود حقوق زنان در ایران بوده است. از زمان انقلاب ۱۳۵۷، فمینیسم در دید نظام حاکم بر ایران برابر با «بی‌عفتی» در نظر گرفته می‌شود؛ اما سیاست‌های جمهوری اسلامی، به صورت ناخواسته منجر به افزایش آگاهی جنسیتی در میان مردم ایران شده است. **انحرافات فمینیست:** فمینیسم نشانه وجود ستم در حق زنان بود، پیدایش مسلک‌های جدید فمینیستی دلیل ناکارآمدی این جنبش و روش‌های بکار رفته در دفاع از زن و تأمین حقوق از دست رفته اوست. فمینیسم پس از قرن‌ها تلاش جز تحریف حقایق علمی، ابهام‌افزایی، انحراف مسیر مبارزه، غیر قابل دسترس خواندن حقوق حقیقی زنان، دامن زدن به بحران تفاهم انسان‌ها، دشمنی دو جنس زن و مرد، ایجاد مشکلات جبران‌ناپذیر روحی و جسمی، زیان‌های اقتصادی اجتماعی از دست رفتن پشته‌های و پناهگاه‌های اخلاقی، دینی و سنتی، تلاش در ایجاد همانندی مصنوعی با نادیده گرفتن نقش‌ها و کارکردهای زنان و مردان و در نهایت پایین آوردن جایگاه انسانی زن پیامدی نداشته است (نوروزی، ۱۳۹۵).

- **توجه نکردن فمینیست به تفاوت زنان و مردان:** زن از آنجا که فطرتاً عاطفی است در پی تمایلات و هواهای خود به سرعت پیش می‌رود، بدون آن‌که از طریق عقلش محکم‌کاری کرده و از طریق حکمت بسنجد (مجلسی، ۱۳۹۷). به همین سبب قلب او به طرف ناملایمات بیش از تسلیم در برابر ندای عقل گرایش دارد. در مقابل، مردان به واسطه دوراندیشی و صلابت در

مورد با زنان متفاوت‌اند. طبیعت مرد مزین شدن او به عقاید و اخلاق و بهره‌گیری از حکمت‌های جدید در زندگی و کشف دانش‌های نظری و تطبیقی متجلی می‌شود، بدون آن‌که دنبال شهرت باشند. پختگی عقل مرد اگر دیرتر به حد رشد و بلوغ می‌رسد بدین جهت است که موجب شود تا فعالیت او تا سطح وسیعی ادامه یابد. به جهت سازگاری با نقشی است که هر کدام در زندگی خداوند سبحان در مرد عقل را نسبت به عاطفه‌اش بیشتر قرار داده و عاطفه زن را نسبت به عقلش فزونی بخشیده است. روحیه مرد «عمل‌گرا» و جنبه فعال دارد، روحیه زن جنبه «انفعالی» داشته و تأثیرپذیر است. این گرایش مرد به تجاوز و برتری طلبی نسبت به دیگران را توجیه می‌کند، چنان‌که تمایل زن را به زندگی در سالیه مردی که تأمین کننده حمایت و سعادتش باشد، تبیین می‌نماید. مرد نیز به واسطه دوراندیشی، عزم و اراده، شجاعت و خویشتن‌داری و مقاومتش شناخته می‌شود. این طبیعت او وظیفه به او موکول شده برایش ایجاب می‌کند و این وظیفه همان تأمین نیازهای خانواده و حمایت از آن است. وظیفه زن نیز پاکیزگی، زیبایی و دوستدار تربیت بودن است. توجه به این تفاوت‌ها سبب می‌شود تا زنان جامعه نقش خود را بهتر درک و در مقابل ناملایمات زندگی بیشتر صبر پیشه کنند و در مواقعی مردان را بهتر درک، احساس سرخوردگی کمتری کنند (رضوانی، ۱۳۸۵).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

زنان به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده پیکره یک جامعه و نقش انسان‌سازی که دارند، می‌توانند در ساختن آینده یک کشور نقش مهمی را ایفا کنند. زنان به دلیل شرایط جسمی و روحی که خداوند متعال بنا به تکالیفی که برای آنان قرار داده است، همواره در طول تاریخ مورد آسیب جدی بوده است (صدوق، ۱۳۶۲). به همین خاطر نیاز از تا آنان به گوهر وجودی خویش و تکالیف و حقوقی که دارند آگاهی پیدا کنند، خود را در این راه توانمند سازند. تجربه و تخصص داشتن در رشته‌های مختلف می‌تواند تأثیر بسزایی در برون رفت از بحران‌های زندگی نقش ایفا کند. زنی که تقوا داشته باشد با کمک نیروی معنوی خود، حفظ عفت، به‌کارگیری احکام الهی، الگوگیری از زندگی معصومین A زندگی خود را بیمه کرده و در مقابل بسیاری از حوادث بایستد.

زن توانمند با به‌کارگیری همت خود و دست نهادن بر زانوی خویش، بدون هیچ‌گونه ترسی در مقابل نگاه‌های هوس آلود دشمنان بایستد و مشکلات خود را حل کند. علاوه بر ویژگی‌های فردی که زن باید برای خود ایجاد کند، اجتماع نیز در مقابل او مسئول است و باید برای توانمندسازی او بکوشد. قدردانی از زحمات و احترام به شخصیت و در مواقع لزوم مشورت با او می‌تواند در او احساس خوشایند مفید بودن ایجاد کند. زن به‌عنوان فردی از یک خانواده باید حامی داشته باشد تا بتواند نیازهای عاطفی او را برطرف سازد، این حامی کسی جزء همسر و پدر و مادر او نیست. جامعه نیز در مقابل قشر زن مسئول است، باید برای او امکاناتی فراهم کند تا در مواقعی که زن دچار آسیب‌های اجتماعی شد، بتواند او را یاری کند. در این میان نگاه فمینیسم به زن به بسیاری از مشکلات او دامن زده و با تغییر در نگرش و وظایف او مشکلاتی را برای او ایجاد کرده است، پس لازم است با شناخت تفکر فمینیسم و نگاه اسلامی به سبک و سنگین کردن این نگاه‌ها بپردازیم تا دچار سردرگمی و انحراف نشویم.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج‌البلاغه
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.

- ۴- اکبری مقدم، ناهید (۱۳۹۳). بررسی امنیت روانی در زنان و دختران بدحجاب باحجاب. اولین همایش ملی فرهنگ عفاف و حجاب. بندرگز.
- ۵- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۸). غررالحکم و درر الکلم. ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی. قم: پیام علمدار.
- ۶- حکمی، نسترن؛ حکمی، نسرين؛ و صدری افشاری، غلامحسین (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی امروز. تهران: انتشارات کلمه.
- ۷- رسولی، هاشم (۱۳۵۸). تاریخ انبیاء. قم: تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- ۸- رضازاده، فاطمه؛ رضازاده، احمد و رضازاده، سیما (۱۳۹۴). همکاران مروری بر توانمندسازی. سلامت و اشتغال زنان سرپرست خانوار. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع.
- ۹- رضائیان، علی (۱۳۸۲). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: نشر سمت.
- ۱۰- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵). پیامبر اعظم ﷺ و حقوق زنان. قم: نشر مسجد جمکران.
- ۱۱- صدوق، الامالی (۱۳۶۲). کتاب امالی شیخ صدوق. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۱۲- صفوی، عیسی؛ ضمیران، بهار؛ معارف‌وند، معصومه؛ و عرشی، ملیحه (۲۰۱۵). توانمندسازی اقتصادی دختران و زنان جوان در کشورهای آفریقایی. آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب. فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، ۳(۴)، ۳-۱۲.
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: منشورات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۴- عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
- ۱۵- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۷). بحارالانوار. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۱۷- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۳). میزان الحکمه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). امامت و رهبری. قم: نشر صدرا.
- ۱۹- معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیر کبیر.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- ۲۱- مهرآیین، محمدحسین (۱۳۸۹). همت و کار، قم: سایا.
- ۲۲- مهرابی، امیر حمزه (۱۳۹۳). توانمندسازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۳- نوروزی، فریبا (۱۳۹۵). تبیین نظریه‌های راهگشا در ترسیم مدل علی توانمندسازی زنان با تأکید بر توانمندسازی اقتصادی. کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت.

Factors Influencing Women's Empowerment to Ensure Psychological Security of the Family

Samaneh Ghandehari Alavijeh *¹

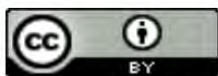
1- Master's Student, Department of Quranic Interpretation and Sciences, Qom Seminary, Qom, Iran.
(Corresponding Author)

samanehalavijehi57@gmail.com

Abstract

Women, as one of the main pillars of the family, play a crucial role in maintaining the integrity and boundaries of the household. Since the family, as the fundamental social unit, has a direct impact on the growth or decline of societies, attention to its empowerment is essential. To prevent the destructive consequences of social collapse, strengthening and empowering the family in individual, familial, social, and international dimensions is of paramount importance. In this regard, governmental organizations must design programs to empower social structures and enhance international capabilities, taking political considerations into account. Conversely, contemporary feminist movements, especially on a global scale, emphasize that women do not need to depend on men and should receive education in all dimensions. This idea has been pursued in many countries, particularly in developing nations, in the form of women's empowerment programs. This study provides a comprehensive perspective on women's empowerment in cultural, economic, political, and social aspects, aiming to include all women, not just those who are heads of households. The present study was conducted using a qualitative approach and in-depth interviews. The results indicate that women's empowerment is influenced by two categories of factors: internal and external. Women themselves act as an internal factor, while spouses, parents, and cultural institutions are identified as external influential factors.

Keywords: Women's Empowerment, Empowerment, Family Empowerment, Psychological Security, Family.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)